

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَيْكَ
السَّلَامُ
نَامَازِ جُمُعَه

خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء وأشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمةً للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجّة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

آغاز دهه فاطمیه و علت دور وایت تاریخی

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

فردا شروع دهه فاطمیه اول هست. البته دو روایت در شهادت حضرت زهرا علیها السلام نیست که بگویم یکی ۷۵ روز، یکی ۹۵ روز. یک روایت است، منتها دو قرائت از این روایت شده است. چون روایات در اسناد قدیمی‌شان با خط کوفی نوشته شده‌اند؛ خط کوفی هم نقطه‌دار نیست و لذا ۷۵، یعنی «خمسة و سبعین»، با ۹۵، «خمسة و تسعين» عربی، یک جور نوشته می‌شود. چیزی که این‌ها را از هم جدا می‌کند، نقطه‌هاست که در خط کوفی نقطه وجود ندارد. لذا قبلاً علما می‌خوانده‌اند «خمسة و سبعین»؛ یعنی شهادت حضرت زهرا ۷۵ روز بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

بعد بعضی‌ها می‌خوانده‌اند «خمسة و تسعين» یعنی شهادت حضرت ۹۵ روز بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این دو قرائت باعث شد که در دو فصل، شهادت وجود مقدس صدیقه اطهر علیها السلام مورد تکریم و تعظیم قرار بگیرد. بعداً روایتی به دست آمد که شهادت حضرت را در روز سوم جمادی‌الثانی ثبت کرده است. این روایت، مؤید «خمسة و تسعين» شد و ۹۵ روز تقریباً احتمال قوی‌تری در شهادت حضرت زهرا علیها السلام دارد. ولی این برنامه دو قرائت را به هم نزدند؛ علتش هم این است که خب این دو قرائت باعث شده مدت بیست روز



تا یک ماه مردم برای صدیقه اطهر علیها السلام عزاداری کنند. چون مصیبت فاطمه علیها السلام اعظم مصائب اهل بیت علیهم السلام است و این مصیبت بزرگ اقتضا دارد که حدود یک ماه در سال عزاداری بشود. برای حفظ این جهت که عزاداری‌ها بیست روز تا یک ماه ادامه پیدا کند، این دو قرائت به جای خودش برقرار مانده است: قرائت «خمسة و سبعین» و قرائت «خمسة و تسعين». بنابراین دهه فاطمیه اول از فردا آغاز می‌شود.

تبیین نگاه هویت‌ی اسلام به زن

آنچه که مهم است، توجه خاص ما به نقطه‌های برجسته و در عین حال پنهان شخصیت حضرت زهرا علیها السلام است. فضایل ذاتی حضرت زهرا علیها السلام و عظمت باطنی صدیقه اطهر، واقعیت پوشیده بر همه است و جز اهل بیت و ائمه معصومین علیهم السلام، کسی از آن آگاهی پیدا نمی‌کند. اما عظمت آن حضرت از نظر انقلاب‌سازی اجتماعی در دنیا بی‌نظیر است. وجود مقدس صدیقه اطهر علیها السلام در دو سه جهت نقش انقلاب‌ساز داشتند. یکی از جهاتی که صدیقه اطهر علیها السلام انقلاب به وجود آوردند، در مسئله نگاه به زن و انتقال از نگاه جنسیتی به نگاه هویتی بود. این تحول به وسیله صدیقه اطهر علیها السلام به وجود آمد. از اول خلقت بشر در جوامع مختلف انسانی نگاه به زن، نگاه جنسیتی بوده است. ما دو نگاه نسبت به زن می‌توانیم داشته باشیم:

یک نگاه جنسیتی، به عنوان جنس مخالف، ابزار اجرا و ارضاء نفس و غرایز. نگاه دوم، نگاه هویتی است. اصلاً زن در ذاتش، در مجموعه وجودی‌اش، در امتیازات خلقی خودش چه موجودی است؟ زن یک نوع از نوع دوم انسان است. انسان از دو نوع تشکیل شده است



به گور کردم. این به‌خاطر این بوده که مردها به زن نگاه جنسیتی داشتند. این نگاه جنسیتی بعضی‌ها را وادار می‌کرده است دختران خودشان را زنده به گور کنند. هر جنایتی که نسبت به زن انجام گرفته است، به خاطر نگاه جنسیتی بوده است. امروز هم در تمدن شیطانی و وحشی غرب نگاه به زن، نگاه جنسیتی است. این همه مظلومی که نسبت به زنان در غرب انجام می‌گیرد، به‌خاطر نگاه جنسیتی است.

اسلام برای اینکه نگاه جنسیتی به زن را محدود یا منفی کند، مسئله حجاب را مطرح کرد. وقتی بنا شد زن در حجاب قرار گیرد، از این نگاه جنسی مصونیت پیدا می‌کند. مشکل اینجاست که زن‌ها، بعضی‌ها خودشان هم به زن نگاه جنسیتی دارند. خب این زنی که بی‌حجاب است، بدن برهنه و عریان خودش را در معرض دید مردها قرار داده و نمایشگری با بدن و صورت آرایش شده می‌کند، خود او به زن نگاه جنسیتی است؛ یعنی به عنوان یک عنصر جنسیتی، خودش را در معرض خودنمایی قرار می‌دهد و این بزرگ‌ترین جنایت نسبت به زن است. آن کسی که توانست در مرحله عملیاتی، این نگاه جنسیتی را منفی کند و نگاه هویتی را نسبت به زن تثبیت کند، وجود مقدس صدیقه اطهر علیهاسلام بود. حضرت زهرا علیهاسلام در نفی نگاه جنسیتی می‌فرمایند: «خیر النساء هی التي لا تراها الرجال ولا تراهم»؛^۱ بهترین زن آن زنی است که در کانون زندگی محدود باشد، مردی او را نبیند و او هم مردی را نبیند. چون هر مردی به او نگاه کند، با نگاه جنسیتی به او نگاه می‌کند. وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواستند وارد خانه صدیقه اطهر علیها السلام شوند، دم در ایستادند و فرمودند: فاطمه جان، اجازه می‌دهی

یا از صنف تشکیل شده است. اگر خود انسان را نوعی از انواع بدانیم، از دو صنف تشکیل شده است: صنف مرد و صنف زن. زن در تمام شئون انسانیت با مرد مساوی است. استعدادش، فکرش، عواطفش، برجستگی‌های ذاتی و فضایل اخلاقی‌اش، همه این خصوصیات که در مرد هست، در زن هم وجود دارد. اگر در بعضی از جهات برخی خصوصیات زن کمتر از مرد است؛ در مقابل، خصوصیات دیگری در جهت دیگر دارد. اگر جنگ‌جویی و رزمندگی در میدان نبرد و اعمال خشن از عهده مرد برمی‌آید و از عهده زن بر نمی‌آید، در مدیریت عاطفی و تربیتی، زن برجسته‌تر از مرد است. پس زن هم انسان است، مرد هم انسان است. این یک صنف انسان، آن هم یک صنف انسان. دارای استعدادهای ذاتی است، دارای موقعیت‌های باطنی است، دارای توانمندی‌ها و امکاناتی است که دست توانای خلقت و آفرینش در وجود زن قرار داده است. به مجرد اینکه فضای زندگی اجتماعی فضای باز و بی‌خطری بشود، زن‌ها با انبوه استعداد به میدان کار و نبرد و علم می‌آیند. شما می‌بینید امروز هم در عرصه‌های مدیریت، هم در عرصه‌های نوآوری، هم در عرصه‌های دانش‌بنیان، به مراتب بعضی از خواهران از مردها قوی‌تر وارد میدان کار و فعالیت می‌شوند. نگاه هویتی به زن این است که به زن این‌طوری نگاه کنند: یک کوت استعداد، یک کوت امکانات، یک مجموعه قدرت، یک عنصر قوی در مدیریت پرورشی و آرامشی، یک عنصر برجسته در اصل تربیت و پرورش. با این نگاه به زن نگاه کنند. این می‌شود نگاه هویتی. در مقابل نگاه جنسیتی است که زن را به عنوان جنس مخالف ببینند، ابزار اجرا و ارضای غرایز نفسانی.

در جوامع مختلف، هر زمان زن با نگاه جنسیتی ملاحظه شده است، زن مظلوم واقع شده است. تمام مظلومی که در طول تاریخ در جوامع و ملل مختلف دنیا نسبت به زن انجام گرفت، به‌خاطر نگاه جنسیتی به زن بود و نگاه هویتی نبود. حتی دختر به گور کردن افراد از باب نگاه جنسیتی بود. وقتی یک عرب جاهلی مسلمان می‌شود، می‌آید خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و توضیح می‌دهد که چرا دخترش را زنده به گور کرده است: وقتی جوان‌های قبیله به من مراجعه کردند و پیشنهاد ازدواج با دختر من می‌دادند، غیرتم برآشفته می‌شد؛ لذا دست به این جنایت زدم و دختر دم‌بلوغ خودم را در میان قبر زنده

مرد هم می‌تواند وارد شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام)، صاحب ذوالفقار، در اتاق می‌نشیند، اما صدیقه اطهر (علیها السلام) به‌خاطر نگاه هویتی به زن به میدان جنگ می‌آید و مبارزه می‌کند. دم در خانه با جریان مهاجم و جریان متجاوز و جریان قدرت مبارزه می‌کند. مبارزه تا کجا؟ تهدید می‌شود: خانه تو را آتش می‌زنیم. می‌گوید: باشد. حضرت می‌فرماید: این خانه قرآن است. می‌گویند: «و این» اگرچه قرآن باشد، باز هم آتش می‌زنیم این خانه را. می‌فرماید: من دختر پیغمبرم. می‌گویند: «و این» ولو تو باشی، باز هم خانه تو را آتش می‌زنیم. می‌ایستد. تا کجا می‌ایستد؟ تا آنجایی می‌ایستد که شعله‌های آتش از در خانه بلند می‌شود. بین در و دیوار فریاد می‌زند: «یا أَبَتَاهُ یا رَسُولَ اللَّهِ! هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَ ابْنَتِكَ» تا اینجا می‌ایستد. این نگاه هویتی به زن است. آن نگاه جنسیتی را از بین برد. نگاه هویتی را اینگونه عمل می‌کند صدیقه اطهر (علیها السلام).

ای خدا! مردم کنار دیوار ایستاده بودند این منظره را می‌دیدند: دختر پیغمبر بین دود و آتش دارد پیغمبر را صدا می‌زند. کسی عکس‌العمل نشان نمی‌داد. تنها کسی که عکس‌العمل نشان می‌داد، یک آقا پسر هفت‌ساله بود، یک آقا پسر شش‌ساله بود، یک دختر خانم چهارساله بود. کنار گرفته بودند، گریه می‌کردند و اشک می‌ریختند. اما این دختر خانم چهارساله، غیر از اینکه گریه می‌کرد، منظره را درست عکس‌برداری می‌کرد و درس می‌گرفت: هرگاه درمانده شدی، باید پیغمبر را صدا بزنی! دید مادر بین دود و آتش، گرفتار شده، علی را صدا نمی‌زند، اما پیغمبر را صدا می‌زند. فهمید هر وقت گرفتار شدی باید پیغمبر را صدا بزنی! این دختر چهارساله، زینب ۵۲ ساله شد و آمد در گودی قتلگاه، بدن پاره پاره برادر را دید، یادش آن در نیم‌سوخته و مادر آمد که پیغمبر را صدا زد. او هم صدا زد: «یا جَدَّاهُ یا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا حَسِينُكَ مَرْمَلُ بَدْمَاءٍ وَ مَقْطَعُ الْأَعْضَاءِ» یا رسول الله، این بدن پاره پاره حسین توست. خدایا سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار؛

.....

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۱۰۱، ص ۳۶.

من داخل شوم؟ عرض کرد: یا رسول الله، منزل خودتان است. حضرت فرمودند: «و من معی» کسی دیگر هم با من هست. او هم وارد شود؟ صدیقه اطهر (علیها السلام) فرمودند معذورم، عذر می‌خواهم. خودتان تنها وارد شوید، کسی دیگر وارد نشود؛ چون من الان چادری به سر ندارم و باید بروم چادر به سر بیندازم و الان آن شخص وارد نشود یا با تأخیر وارد شود. پیغمبر فرمودند: دخترم، این مرد کور و نابیناست. صدیقه اطهر (علیها السلام) فرمودند: درست است او کور و نابیناست، اما وقتی وارد خانه شد، احساس وجود یک زن در این خانه می‌کند و فکر می‌کند یک زن در خانه است و چادری به سر ندارد. خود همین احساس، نگاه جنسیتی برای او ایجاد می‌کند. لذا شما وارد شوید، اما فردی که همراه شماست، ولو کور است، وارد نشود. سلمان سیصدساله، پیرمرد، می‌آید پشت در خانه حضرت. با صدیقه اطهر (علیها السلام) حرف می‌زند. فاطمه (علیها السلام) در مقام مکالمه با سلمان سیصدساله، انگشت در دهان می‌گذارد که تَن صدایش را سلمان سیصدساله نشنود. چون مرد به زن نگاهش جنسیتی است. این نگاه جنسیتی را منفی می‌کند.

همین خانمی که با یک پیرمرد سیصدساله می‌خواهد حرف بزند، تن صدایش را تغییر می‌دهد.

حضرت زهرا (علیها السلام)؛ مظهر مبارزه آگاهانه

همین خانمی که می‌گوید آدم کور وارد خانه نشود، آن روزی که مسئله هویت زن مطرح می‌شود و آن روزی که وجود زن در عرصه مبارزه و در میدان نبرد با استکبار می‌تواند اثرگذار باشد، همین خانم می‌آید در مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، در مقابل ده‌ها نفوذ مرد می‌ایستد و با قدرت و با صلابت، حرف می‌زند و خطبه می‌خواند. این نگاه هویتی به زن است. نگاه جنسیتی را منفی کرد، نگاه هویتی پیاده شد.

مقام مبارزه که پیش می‌آید و باید مبارزه کند، وجود مقدس صدیقه اطهر (علیها السلام) در مبارزه، نگاه هویتی به زن دارد. اینجایی که مبارزه، یک مبارزه صددرصد بیدارساز و آگاه‌ساز است، مبارزه توضیح و تحلیل جریان قدرت‌یاب است، اینجا زن می‌تواند وارد عرصه شود و مؤثرتر از



خطبه دوم:

لزوم توجه به پرای حوات آبان ۱۳۴۳

و عوامل و افرادی که از آن کشور می‌خواهند بیایند اینجا برای سرمایه‌گذاری، این‌ها مصونیت قضایی و امنیتی داشته باشند؛ یعنی هر کاری کردند، آدمی کشتند، جنایت کردند، دزدیدند، از نظر امنیتی مورد تعقیب قرار نگیرند و از نظر قضایی هم محکومیتی متوجه آنها نشود. اگر بناست بررسی قضایی بشود باید در کشور خودشان بررسی قضایی کنند نه در این کشور. این از مدت‌ها قبل هم رسم بوده در بین بعضی از کشورها که البته کمتر کشوری زیر بار ذلت این قانون و این برنامه می‌رفته است. دولت ایران دویست میلیون دلار از آمریکا تقاضای وام کرد که ده ساله این دویست میلیون دلار را ۳۰۰ میلیون به آمریکا برگرداند. یعنی ده سال این مردم صد میلیون دلار بهره به آمریکا بدهند. این دویست میلیون دلار را دولت برای چه می‌خواست؟ مملکت آن روز که خرجی نداشت؛ چون کشور بود و چند تا شهر. روستاها نه جاده داشتند، نه برق داشتند، نه آب داشتند، نه مصرفی برای آنها بود. این شهرها هم آنچه هم که داشتند ناقص بود. در همین ماه آخر نظام ستمشاهی که انقلاب به پیروزی رسید، در تهران هر روز شش ساعت برق قطع می‌شد. برای همین شهرها هم اینها برق نداشتند. پولی خرج نمی‌کردند. روزی پنج میلیون بشکه نفت می‌فروختند. تمامش پس‌انداز جریان دربار و گردن‌کلفت‌ها و عیاشی‌ها

آنچه برای نسل امروز ما، به عنوان بینش انقلابی ضرورت دارد بازخوانی جریان انقلاب و حوادث انقلاب در آبان ماه است. ما در جریان انقلاب شاهد حوادثی بودیم. توجه به این تاریخ چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن برای نسل ما لازم است تا بداند که این انقلاب از چه گذرگاه‌های پرخوف و خطری عبور کرده است و به دست ما رسیده است. این طور نبوده که فقط یک جریانی پیش بیاید بی حساب و کتاب یک قدرتی برود کنار، یک قدرتی هم بیاید سرکار بگوئیم انقلاب شد. نخی انقلاب دگرگونی است و مقدمات و مسائل مختلفی داشته است. از جمله حوادثی که در آبان ماه صورت گرفت جریان مقابله و مبارزه و سخنرانی امام، در برابر جریان انحرافی و استعماری کاپیتولاسیون بود. در بیست و یکم مهرماه سال ۱۳۴۳ لایحه‌ای از طرف دولت شاه به مجلس شورای ملی فرستاده شد به عنوان لایحه کاپیتولاسیون. کاپیتولاسیون یعنی، کشوری که در کشور دیگری می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند بتواند قانونی را در آن کشور دوم بگذراند که تمام آن دستگاه‌ها

روشنکرے امام علیه السلام در مورد کاپیتولاسیون

در چهارم آبان که مصادف با میلاد مسعود صدیقۀ اطهر علیه السلام در آن سال بود و چون همزمان شده بود با ولادت شاه، مردم متدین پلاکاردها را پایین کشیدند و پلاکارد ولادت حضرت زهرا به در و دیوار چسباندند. مردم قم، تهران و سایر شهرها، این روز ولادت برای دیدن امام، خدمت امام رسیدند. در ساعت ده صبح، در حالی که اتاق‌ها، حیاط و کوچه‌های مجاور بیت امام پر از جمعیت بود. امام بزرگوار آنجا شروع به سخنرانی کردند و این مشکل را امام مطرح فرمودند.

ابتدای سخنرانی خود را با استرجاع شروع کردند؛ یعنی کلمه‌ای که در هنگام مصیبت می‌گویند. فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم. انا لله و انا اليه راجعون. من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده.» مردم شروع به گریه کردند. صدای گریه جمعیت بلند شد. «ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تأثرات قلبی، روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید.» با این جمله، ناله و گریه جمعیت بلند شد. «ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کرده‌اند. عزا کردند و چراغانی کردند! عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیدند! ما را فروختند. استقلال ما را فروختند. باز هم چراغانی کردند و پایکوبی کردند.»

سپس برای اینکه امام دقیقاً کاپیتولاسیون را برای مردم تصویر کنند، در قالب یک مثال فرمودند که تصویب کردن این چیست. فرمودند: «ملت ایران را از سگ‌های آمریکا پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند. اگر شاه ایران، یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواستش می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی، شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، مقام بزرگ‌تر را زیر بگیرد، هیچ‌کس حق تعرض ندارد.» با این مثال، امام فهماندند کاپیتولاسیون چیست.

سخنرانی امام مردم را بیدار کرد و در برابر سخنرانی امام،

یا مصرف آمریکایی‌ها بود. این دویست میلیون دلار را از آمریکا خواستند آن را اسلحه بخرند، پولش هم به خود آمریکا برگردانند. سلاحش را هم از آمریکا بگیرند. اسلحه برای چه؟! برای دفاع از این مردم؟ نه!!! اسلحه برای اینکه این کشور در منطقه ژاندارم آمریکا است. هر کجا حرکتی بر ضد آمریکا شروع می‌شود باید از این کشور بروند آن را سرکوب کنند. ۲۰۰ میلیون دلار آمریکا قرض بدهد، همین پول را به اینها اسلحه بفروشد. اسلحه هم برای حفاظت خودش و برای اجرای منویات استعماری خودش در سایر کشورها باشد.

در ظفار یک عده کمونیست پیدا شدند. ارتشی‌های ایران را فرستادند این کمونیست‌ها را سرکوب کردند. چرا؟ چون آمریکا خواست؛ چون مخالف آمریکا بودند. از اینجا فرستادند. ایران ژاندارم منطقه شد. اسلحه برای ژاندارم آمریکا می‌خواستند پولش را این مردم ده‌ساله صدمیلیون بهره بدهند در مقابل این وام. اینها گفتند: شما باید کاپیتولاسیون را تصویب کنید. یعنی تصویب کنید که در کشور شما هر آمریکایی هر جنایتی کرد، آدم کشت، دزدی کرد، هر عملی را انجام داد، در اینجا نه قابل تعقیب است نه قابل محکومیت و دادرسی است. باید برود خود آمریکا آنجا محاکمه بشود. این شد قانون کاپیتولاسیون. خوب این را در مهر ماه سال ۱۳۴۳ دولت شاه فرستاد به مجلس شورا. مجلس شورا هم او را تصویب کرد. همان روز فرستادند مجلس سنا، مجلس سنا هم بدون بررسی با یک قیام و قعود تصویب کردند. ایران رسید به اینجایی که اگر یک آشپز آمریکایی آدم کشت، آزاد باشد؛ اما یک ایرانی حق کوچک‌ترین اهانت به یک آمریکایی را ندارد. همه هم ساکت شدند. تمام دستگاه‌های سیاسی ساکت شدند. احزاب، جریان‌ها اصلاً دم بر نیاوردند. جبهه ملّی اصلاً حرف نزد. آن‌هایی که مدعی بود که ما ناسیونالیست ایرانی هستیم و ایران را می‌خواهیم حفظ کنیم، اصلاً قدمی برنداشتند. سخنی هم به زبان نیاوردند. در حالی که خودشان را نگهبان و نگهدار ایران می‌دانستند، همه ساکت شدند.



با ما بود. شاهد این رفتار آمریکا با ما حادثه ۴ آبان سال ۱۳۴۳ است که در اینجا صورت گرفته است. در اینجا ما یک آموزش عبرت داریم و یک آموزش تجربه. آموزش عبرت برای ما این است. آمریکایی که امروز یک عده در این مملکت می‌گویند: «آقا بروید با او حرف بزنید، مذاکره کنید، دست بدهید، تسلیمش بشوید.» این گذشته آمریکاست. امروز هم می‌خواهد همان‌طور باشد، مسلط شود. این‌هایی که می‌گویند، یا واقعاً نمی‌فهمند، آن زمان یادشان رفته، تاریخ هم نمی‌خوانند، یا نه خودشان با یکی دو تا واسطه مزدور دست‌نشانده شده‌اند و در مقابل نظامی که در مقابل آمریکا ایستاده، در مقابل رهبری که غرض می‌کند در برابر امریکای جنایتکار، این‌طور رفتار می‌کنند. این یک آموزش عبرت است. بدانیم ما با کی روبه‌رو هستیم، با کی داریم می‌جنگیم و تا کجا باید بجنگیم. پدران شما، عزیزان شما، بعضی از عزیزان آن روز، هنوز هم حضور دارند. با سینه خشک مقابل گلوله داغ ایستادند، از یک اسارت ما را نجات دادند. مقابل یک گرگ جهان‌خواهی که این‌گونه دهان باز کرده برای بلعیدن دوباره تا کجا مقاومت کنیم؟

آن روزی که دولت شاه، ایران را به آمریکا فروخت، این‌هایی که ادعای سیاسی می‌کنند، ادعای عقل می‌کنند، ادعای نخبگی می‌کنند، یکی از این‌ها دم بالا نیاوردند، نفس نکشیدند. یک کلمه حرف نزدند. صدایی اگر بلند شد، از کوچه یخچال قاضی قم، از حلقوم حجت امام زمان بلند شد و عامل شد مردم نجات پیدا کنند.

بدانیم عزیزان، جریان رهبری و ولایت که حجت امام زمان علیه السلام است، اگر به او چشم بدوزیم، پشت سر او راه بیفتیم، تشخیص او راهنمای ما در همه مسائل سیاست داخلی و خارجی باشد، ضرر نمی‌کنیم و به نتیجه می‌رسیم. اگر خدایی نکرده، روزی بیاید مردم ما پشت به رهبری کنند، آن روز، روز فلاکت خواهد شد.

پروردگارا، به عنایت و لطف اولیائت، در این ایام پربرکت فاطمیه، باران رحمت را بر این سرزمین ولایی امام هشتم علیه السلام نازل بفرما.

مردم هوشیار شدند. آنچه امام فرمودند، دقیقاً چند روز یا چند ماه بعد در خود تهران اتفاق افتاد. این جریان را بار دیگری در نماز جمعه گفته‌ام برایتان: در هنگام عصر، در یک ماشین پیکان، پنج جوان در خیابان سلطنت‌آباد آن روز (خیابان پاسداران امروز) از جنوب به شمال می‌رفتند. یک زن آمریکایی مست، پشت یک فورد آمریکایی، از فرعی وارد خیابان شد. این پیکان با پنج جوان به تیر سیمانی چراغ برق خورد و هر پنج جوان کشته شدند. بعد روزنامه کیهان آن روز نوشت: «یک زن مست آمریکایی پنج جوان ایرانی را کشت.» آن زن از روزنامه کیهان شکایت کرد. دادگاه، روزنامه کیهان را مجبور کرد که از زن آمریکایی عذرخواهی کند که چرا نوشته «زن آمریکایی مست پنج جوان ایرانی را کشت.» اینها مصونیت دارند. باید در دادگاه آمریکا محاکمه شود. شما حق اعتراض ندارید. مملکت را به این روز کشاندند.

آمریکا هیچ گاه به دنبال دوستی با ایران نیست

برادران و خواهران، ببینید ما چه وضعی داشتیم! شمایی که آن روز در دنیا نبودید، الان به دنیا آمدید، در دل انقلاب دارید زندگی می‌کنید، ببینید آمریکا با ما چه کرد! بیاید صد میلیون دلار از این مردم پول بگیرد، ژاندارم درست کند که منافع آمریکا را در منطقه حفاظت و پاسداری کند، با اسلحه‌ای که پولش را ایرانی‌ها دادند، آن هم با صد میلیون دلار بهره به خود آمریکا. یک ربع قرن آمریکایی‌ها این‌طور بر ما مسلط شدند. خب الان می‌گویند مذاکره کنید. با کی؟ با چنین موجودی؟! امام مردم را بیدار کرد. مردم متوجه شدند، آمدند وسط میدان و سینه خشکشان را مقابل گلوله گرفتند، از این اسارت نجات پیدا کردند. رهنمود امام بیدار کرد. این شرایط کشور ما بود و مسئله‌ای که در آبان ماه گذشت، که بلافاصله بعد از این قضیه امام را گرفتند، بردند تهران. امام یک سال قیلس در حبس و حصر بودند، تازه آزاد شده بودند. دوباره امام را گرفتند و بردند تهران و بعدش امام را تبعید کردند به ترکیه. در مقابل بیدارسازی ۱۳ سال امام از این مملکت جدا شد. این وضعیت آمریکا